http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir
ایران فرهنگی

دیدگاه های شهید آیت الله بهشتی پیرامون نقش و جایگاه زن در اجتماع

زن در مسیر عزت و کرامت همچون مرد

علی محمدی گرمساری

متن پیش رو گفت‌وگویی است با شهید آیت‌الله دکتر بهشتی که در ماه‌های اول انقلاب انجام گرفته و در ترکیب مجموعه‌ای از درسگفتارهای تفسیری ایشان با موضوع جایگاه زن در اسلام در دست چاپ است. این مجموعه با حداقل ویراستاری تنظیم یافته تا فضای گفت‌وگوی آن تا حد امکان به مخاطب امروزی منتقل شود. گفت‌وگوی حاضر توسط شادروان علی محمدی گرمساری با شهید بهشتی انجام شده و ضمن آن، نظر شهید بهشتی را درباره مسائل مربوط به زنان جویا شده است.

■ نظرتان راجع به نقش زن در اجتماع دیروز و امروز چیست؟

به نظر من دیروز زنان جامعه ما چهار گروه اصلی را تشکیل می‌دادند:

۱ اکثریت زنان که فارغ از تعهدات مبارزه و غالباً بی‌خبر و ناآگاه از عمق مسائل اجتماعی به زندگی سنتی زن در خانه و بیرون خانه سرگرم بودند.

۲ معدودی از زنان قهرمان با «ایمان»، «آگاه» و «متعهد» که در میدان مبارزه، پرتوان و پرخروش و شکیبا حضور داشتند و سازنده بودند، خود را می‌ساختند و محیط را. این زنان با ایمان مبارز به «پاکی»، «صداقت»، «کوشش»، «کرامت» زن در اسلام، «عفت» و حتی در بسیاری موارد در وظایف خانوادگی سخت پایبند بودند و نقش خود را در مبارزه، با این تعهدات پربار «زن مسلمان» می‌آمیختند.

۳ اقلیتی دیگر که به این تعهدات یاد شده پایبند نبودند، بی‌بند و بار و فارغ از این تعهدات، اما به مبارزه علاقه داشتند و در صحنه‌های مبارزه حضور فعال داشتند؛ مبارزه‌ای بر محور آرمان‌های دیگر، آزادیخواهی لیبرالیستی یا پیکار مارکسیستی.

۴ اقلیتی دیگر که هم بی‌بند و بار و بی‌اعتبار به تعهدات «زن مسلمان»، و هم بی‌بهره از آگاهی‌های اجتماعی که بتواند مسئولیت آنها را در رابطه با مبارزه با ظلم و باطل به آنها بشناساند. درست زن مصرفی، زن در شکل یک کالای جنسی، زن در نقش یک عروسک خوش آب و رنگ، زن در نقش یک عامل فزاینده مصرف که با تنوع‌خواهی، تفنن‌دوستی و تجمل‌طلبی‌اش همواره در پی آن بود که همسرش یا خودش و یا هر دو از هر راه که باشد پول بیشتری به دست آورند و با مصرف بیشتر، زندگی پر آب و رنگ‌تری برای خود فراهم سازند. خانه بهتر و بزرگ‌تر، لوازم خانه لوکس‌تر، ماشین‌سواری آخرین مدل، مسافرت‌های داخلی و خارجی پرخرج، میهمانی‌های پر از اسراف و غالباً همراه با فساد. فخرفروشی، به زیور و طلا و جواهر و آرایش‌های دیگر. این‌ها آرمان‌های این گروه از زنان ما بود و چه بسا، شکل آرایش و ریخت و قواره ستاره‌های جهان مدل زندگی آنها.

و اما زن امروز؛ امروز بخش عظیمی از اکثریت گروه یک، در پرتو انقلاب اسلامی‌مان به میدان پیکار با باطل، ستم و فساد همراه با پایبندی به تعهدات اخلاقی و پوشش «زن مسلمان» با آرمان‌های متعالی، بی‌اعتنا به جاذبه‌های مبتذل مادی و دل‌بسته به رشد تعالی معنوی و فرهنگی و اجتماعی، پر نیرو، پرتوان، پر مقاومت، مبارزه آشنا، در انواع مختلفش: در بسیج در پی آشنایی با کاربرد اسلحه، در کلاس‌های ایدئولوژیک، در پی شناختن بهتر مکتب، در نهضت سوادآموزی در پی خدمت به همنوع و همکیش هستند و در حقیقت امروز خود را در این خط می‌یابیم که گروه اول اکثریت قاطع زنان ما را تشکیل دهند و گروه دوم به صورت اقلیتی در کنار دو اقلیت سوم و چهارم درآیند. من افق را روی دختران و زنان قهرمانمان باز و روشن می‌یابم و به توفیق این خواهران و زنان پرتلاش، امید بسته‌ام. اینها مادرانی شایسته، همسرانی شایسته و قهرمانانی شایسته برای جمهوری اسلامی ما هستند و خواهند بود.

■ نقش زن در پیشبرد انقلاب تا چه اندازه بوده و هست؟

می‌بینید که در این دو سال، زنان ما در شدت بخشیدن به حماسه انقلاب چه نقش مؤثر و سازنده‌ای داشته‌اند. هیچ‌کس فراموش نمی‌کند شرکت این قهرمانان را در راهپیمایی‌های پرشکوهمان، در درگیری‌های مسلحانه‌مان و امروز در سپاه پاسداران انقلاب‌مان، در کمیته‌های انقلاب، در بسیج، نهضت سوادآموزی، در دانشگاه، مدارس و در جهاد سازندگی‌مان و در نهادها و سنگرهای دیگرمان.

■ حجاب زن را از دیدگاه خودتان برایمان روشن کنید؟

پوششی که اسلام برای بانوی مسلمان می‌خواهد، بیش از هر چیز در جهت نگهبانی از عزت و کرامت زن و عزت و کرامت جامعه به صورت یک کل و پاکی و طهارت رابطه زن و مرد در خارج از دایره زناشویی و خانواده است. کسانی که این پوشش و نقش و معنی والای آن را تحریف می‌کنند و آن را به صورت بندی بر پای زن و بر ضد آزادی او معرفی می‌نمایند، یا به راستی هوس‌کیشانی ناآگاهند یا هوی‌پرستانی آگاه که آگاهانه می‌کوشند تا رابطه زن و مرد در خدمت هوی هوس آن دو باشند. به راستی اگر قرار است بانویی در خدمت پزشکی، آموزش، مخابرات، دفترداری، ماشین‌نویسی یا خدمات سودمند دیگر باشد و به راستی اگر قرار است این کارایی و مهارت و فن در خدمت جامعه قرار گیرد، چرا این بانوی فعال دارای «پوشش اسلامی» نباشد؟ نمی‌گویم حتماً چادر. چادر یکی از انواع پوشش اسلامی است و مانتو شلوار و روسری بلند نوعی دیگر و این نوع دوم پوششی است متناسب برای فعالیت که زن در این پوشش می‌تواند هم پوشیده باشد، هم فعال. دیگر چرا می‌خواهند این بانوان نیمه‌برهنه، آرایش‌کرده همراه با طنازی و دلبری در محل کارشان حضور یابند؟ آیا کارشان مورد نظر است یا چشم‌نوازی و طنازیشان؟

ای بانوان مسلمان! ای دختران و خواهران من!

هوشیار باشید. پوشش شما نشانه آن است که دیگر حاضر نیستید جاذبه‌های زنانگی خود را چاشنی کارایی‌ها و مهارت‌ها کنید تا مردان را خوش آید. می‌خواهید «کرامت» و «عزت» و «والایی» و «ارزش‌تان» در همان «ارزش‌های متعالی انسان» باشد. در کارتان، در کارایی‌تان، در هنرتان، در تقوایتان، در بینش و آگاهی‌تان، در مهر و انسان‌دوستی و در خدادوستی‌تان، دیگر اجازه ندهید کسانی قیم‌مآبانه برای شما دل بسوزانند که چرا آزاد نیستید، یعنی چرا نمی‌توانید بدون پوشش خود را در معرض دید این قیم‌های به ظاهر دلسوز قرار دهید. به آنها بگویید: آزادی راستین من و تو در آن است که روابط‌مان در جامعه از هر نوع شائبه بهره‌برداری‌های جنسی به دور باشد و پوشش زن عامل مؤثری است در این جهت. نمی‌گویم تنها پوشش کافی ست، پوشش یک عامل است و عامل بهتر، طرز رفتار و برخورد کردن زن است و قرآن روی آن سخت تکیه دارد که «نگاهت»، «آهنگ سخنت»، «طرز برخوردت» و... باید پاک و متعالی باشد.

■ مسأله‌ای که در جامعه مطرح است و هنوز زیر علامت سؤال قرار دارد، این است که آیا زن در جامعه اسلامی می‌تواند قاضی باشد؟ خصوصاً که در این زمینه نظر علما، کمی با هم متفاوت است؟

این مسأله که آیا زن می‌تواند قاضی باشد یا نه، از مسائل فقهی است و رأی اکثریت قاطع فقهای شیعه و سنی این است که زن نمی‌تواند قاضی باشد. بنابراین، قوانین اسلامی هم الان به همین صورت خواهد بود.

■ آیا در این مورد آیه صریحی داریم که به زن اجازه قضاوت نداده باشد؟

در آیات مطرح نیست، ولی در چند روایت هست. درباره قضاوت و قاضی بودن زن در (ولاتو وللقضاء) آمده است که به او سمت قضایی داده نمی‌شود. فقهای ما عموماً از این احادیث استفاده کرده‌اند که زن نمی‌تواند قاضی باشد.

■ یک عده از خواهران ما در ابتدا جهت قضاوت پذیرفته شدند و بعداً آن‌ها را رد کردند. آیا این عدم پذیرش توسط شما بوده است؟

من نمی‌دانم منظور شما کدام دسته از خواهران است.، اگر منظورتان کسانی است که قبل از آمدن ما در دوره کارآموزی شرکت کرده بودند که من دقیقاً در جریان آن نبودم. اما اگر منظورتان خواهرانی است که حالا در کلاس‌های قضایی شرکت می‌کنند، از همان آغاز به ایشان گفته شد که شما اینجا می‌آیید، مطالعات لازم را می‌کنید و در سمت‌هایی که با نقش شما متناسب است از قبیل اداره سرپرستی و امثال آنها می‌توانید کار کنید. بنابراین، در مورد این خواهران دیگر مسأله‌ای نداریم و تا آنجا که من به خاطر دارم از روز اول تا به حال در کلاس‌ها هم این مسائل مطرح شده. شما توجه داشته باشید که اگر در سمتی خاص این شرط را برایش قائل شدند که مردها باید این سمت را عهده‌دار باشند، نباید به معنی تبعیض یا کم‌بها دادن به زن تعبیر و تفسیر شود که این خلاف و ناصواب است، چون قصه زندگی کردن زن و مرد در جامعه، قصه یک جور زندگی کردن نیست، قصه حقوق متقابل و مساوی داشتن است. یعنی مرد حقوقی دارد، زن حقوقی دارد که اینها در جمع با هم همترازند، ولو در یک مورد خاص زن حقی دارد که مرد ندارد و مرد حقی دارد که زن ندارد، مثلاً اگر گفتیم زن حق نفقه دارد و بر مرد واجب است که هزینه زندگی زن را تأمین کند، نمی‌توانیم بگوییم برخلاف تساوی حقوق زن و مرد است یا مثلاً به مرد ظلم شده است. برای این که مسلم شرایط طبیعی زن و مرد ایجاب می‌کند که مسئولیت اصلی تأمین هزینه زندگی به عهده مرد باشد، وقتی زن ماه‌هایی را از بهترین سال‌های زندگیش باردار است، ماه‌هایی را باید بچه‌داری کند، و این کارها را به طور طبیعی باید انجام دهد، چطور می‌توان گفت که زن خودش باید هزینه‌اش را تأمین کند؟ این طبیعی است که باید به عهده مرد باشد. پس تفاوت در برخی از مسائل هرگز نباید به معنای نفی مساوات، یعنی نفی برخورداری هماهنگ و متعادل زن و مرد از حقوق اجتماعی، تلقی بشود.

■ در مورد شهادت زن نظرتان را بفرمایید.

در این رابطه، قرآن صریح است. قرآن می‌گوید اگر در یک جریانی احتیاج به شاهد بود، دو شاهد مرد عادل، و الا یک مرد و دو زن. دو زن را به جای یک مرد در این معامله آورده‌اند تا اگر یکی از دو زن در شهادت دادن به بیراهه برود، زن دیگر او را به یاد آورد. در حقیقت در اینجا مسأله این طور تلقی شده است که زن‌ها در هنگام شهادت دادن ممکن است آن صلابت لازم را نداشته باشند. این بیان قرآن است. آنچه که ما استنباط می‌کنیم این است که این مربوط به همان شدت عاطفه‌ای است که در زن وجود دارد و بالا بودن درجه عواطف در زن که البته این خود، برای زن کمال است، ولی همین چیزی که برای او کمال است، و او را برای پرستاری‌های دلسوزانه از فرزندش در دوره‌های مختلف بیماری و کودکی و نوزادی آماده می‌کند، همین که حتی به او در برخورد با مشکلات فرزندداری و مشکلاتی نظیر آن صلابت و سرسختی می‌دهد - مثلاً خانم‌هایی که در بیمارستان پرستار هستند به علت شدت عاطفه در کارشان صلابت و استحکام دارند- همین عواطف در مورد شهادت دادن ممکن است وضع را طوری کند که زن از روی عواطف شهادت بدهد و در نتیجه شهادت او شهادت محکمی نباشد و به همین دلیل گفته می‌شود دو خواهر، دو خانم، این کار را بکنند. مثل این است که صلابت لازم را با کمک یکدیگر به دست می‌آورند.

■ اما روایتی در این زمینه داریم که حضرت پیامبر اجازه دادند که فقط یک خواهر شهادت بدهد؟

این که الان هم در بعضی از روایات و احکام فقهی هم هست که اگر در مواردی یک زن به عنوان شاهد و کارشناس نظر بدهد وقتی نظر او مورد قبول و اطمینان‌آور باشد، مورد قبول واقع می‌شود. بله، در برخی موارد به شهادت یک زن با شرایط خودش هم می‌توان اکتفا کرد.

■ مسأله دیگری که مطرح است مسأله طلاق، صیغه و تعدد زوجات است که با شرایط خاصی در اسلام مطرح شده ولی آنچه در جامعه مطرح است به صورتی است که گویی اسلام به این وسیله به زن ظلم کرده است. الان دادگاه‌ها به چه صورتی با این مسائل برخورد می‌کنند که بتوانند عین مسائل اسلامی را پیاده کنند؟

در این زمینه گروه خاصی مشغول پیاده کردن قوانین مربوطه هستند و سریع هم باید این قوانین پیاده شود که در عین این که حقوق و حدود اسلامی کاملاً محفوظ بماند، حقوق زن هم محفوظ بماند. یکی از راه‌های بسیار روشن این است که زن ضمن قرارداد ازدواج، وکالت در طلاق را در شرایطی اعلام کند. این حق را دارد و امام هم در یکی از سخنان‌شان چند ماه قبل فرمودند.

■ اگر قید نشود به چه شکل خواهد بود؟

باید راه‌های دیگری را در نظر گرفت که ان شاءالله در قوانینی که تهیه می‌شود و از تصویب مجلس می‌گذرد، به اطلاع همه خواهیم رساند.

ایسنا

> من افق را روی دختران و زنان قهرمانمان باز و روشن می‌یابم و به توفیق این خواهران و زنان پرتلاش، امید بسته‌ام. اینها مادرانی شایسته، همسرانی شایسته و قهرمانانی شایسته برای جمهوری اسلامی ما هستند و خواهند بود

فضائل بانوی بانوان؛ محور اتحاد اقالیم قبله

حمید سلیم گندمی
عضو هیات علمی کتابخانه ملی

اتحاد اقالیم قبله، آرزوی دیرینه دردمندان و دلسوزان امت بوده و هست. هر کس کوچکترین شناختی نسبت به مواریث گرانسنگ رسول رحمت داشته باشد، از پراکندگی در میان کسانی که پیروی حضرتش را ادعا می‌کنند، رنج می‌برد. گسستگی در این پیکره نورانی را هیچ جان آشنایی برنمی‌تابد.

اما در این میان چه باید کرد؟ طبعاً باید به درمان اندیشید، وگرنه بازگویی مکرر درد، ما را قدمی به حل آن نزدیک نمی‌سازد، مگر اینکه به شناخت علل درد بپردازیم و آن را مقدمه شناخت درمان و توجه به آن بدانیم. در این زمینه سخن بسیار گفته‌اند و هنوز ناگفته‌های فراوانی هست. اما به اقتضای موضوع، اشاره خواهد شد که یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد پراکندگی در امت اسلام، بی‌توجهی به فضایل و مناقب خاندان عصمت بوده است. طبعاً درمان این درد، بازگویی فضائل اهل بیت و ترویج آن است، تا گامی مهم برای شناخت و شناساندن پرچمداران هدایت به رهنوردان این راه برداشته شود.

بدین روی محدثان و مورخان و مفسران سنی و شیعه به این مهم توجه کرده‌اند. گاه در ضمن آثار خود و گاه در قالب تک‌نگاری‌های مختصر و مفصل که از خود بر جای نهاده‌اند. محقق و کتاب‌شناس فقید، مرحوم علامه سیدعبدالعزیز طباطبایی یزدی در کتاب گرانسنگ «اهل البیت فی المکتبه العربیه» جلوه‌ای از این تلاش دانشوران سنی را به تصویر کشیده است. وی در این کتاب، ۸۵۶ تک‌نگاری از دانشوران اهل سنت به زبان عربی را معرفی کرده است که برخی از آنها بارها چاپ و منتشر و به زبان‌های مختلف ترجمه شده و بعضی نیز همچنان به‌عنوان نسخه خطی در کتابخانه‌ها موجود است.

این همه در حالی است که:

اولاً، از رحلت محقق طباطبایی (سال ۱۴۱۶ قمری) نزدیک به ۳۰ سال می‌گذرد و لذا کتاب‌های منتشر شده یا معرفی شده این مدت، در این کتاب‌شناسی معرفی نشده است.

ثانیاً، این کتاب‌شناسی منحصر به کتاب است و انبوه مقالات علمی که در مجلات و همایش‌ها عرضه شده، باید بدان افزوده شود.

ثالثاً، منابع معرفی شده در این کتاب‌شناسی فقط به زبان عربی است؛ لذا منابع غیرعربی (مانند کتاب‌های فارسی، اردو، ترکی و زبان‌های اروپایی) در آن معرفی نشده است.

اگر این گروه منابع به کتاب «اهل البیت فی المکتبه العربیه» افزوده شوند، قطعاً فهرستی گسترده، شامل هزاران کتاب و مقاله در باب اهل بیت، از دانشوران اهل سنت در اختیار خواهیم داشت. نگارش بیش از ۳۰ عنوان کتاب درباره حضرت زهرا (س) به قلم دانشمندان اهل سنت اتفاقی است مهم که نباید دست‌کم گرفته شود.

■ فهرستی اجمالی از کتاب‌های دانشوران اهل سنت درباره فضائل فاطمه(س)

در میان این کتاب‌ها، به این عناوین برمی‌خوریم:

۱. اخبار فاطمه (س)محمد بن زکریا غلابی (د. ۲۹۸)
۲. ازاله الرین فی مناقب فاطمه والحسنین، چاپ استانبول
۳. البتول فاطمه الزهراء، عبدالفتاح عبدالمقصود (معاصر)
۴. تحریر النقول فی مناقب امنا حواء و فاطمه البتول، ابن صباغ مالکی (د. ۸۵۵)
۵. تزویج فاطمه، محمد بن هارون روبانی (د.۳۰۷)
۶. الثغور الباسمه فی مناقب السیده فاطمه، جلال‌الدین سیوطی (د.۹۱۱)
۷. حیاة فاطمه (شماره ۲۷۱)/محمود شلبی (معاصر)
۸. خبر فاطمه و علی... (شماره ۲۷۲)/علی بن عبدالعزیز دولابی (قرن ۴)
۹. الداهیة الحاطمه علی من اخرج بیت فاطمه، حیدرعلی فیض آبادی (قرن ۱۳)
۱۰. الدرة البیضاء فی تحقیق صداق فاطمه الزهراء، علی انور حنفی (د. ۱۳۲۴)
۱۱. الدرة الیتیمه فی بعض فضائل السیده العظیمه، ابوالسیاده حنفی محجوب (د.۱۲۰۷)
۱۲. السبول فی فضائل البتول، ادریس بن علی حمزی (د. ۷۱۴)
۱۳. سیرة سیدتنا فاطمه الزهراء، حسن بن سلیمان حنفی (د.۱۳۳۱)
۱۴. فاطمه البتول، ارناؤوط (معاصر)
۱۵. فاطمه البتول، عبدالفتاح عبدالمقصود (معاصر)
۱۶. فاطمه البتول، توفیق ابوعلم (معاصر)
۱۷. فاطمه البتول، محمد کامل حسن (معاصر)
۱۸. فاطمه الزهراء و الفاطمیون، عباس محمود عقاد (معاصر)
۱۹. فاطمه سیده النساء، محمد محمود زیتون مصری (معاصر)
۲۰. الفتح و البشری فی مناقب فاطمه الزهراء، محمد بن سلیمان حنفی (د. ۱۱۸۶)
۲۱. فضائل فاطمه، ابوصالح مؤذن (د. ۴۷۰)
۲۲. فضائل فاطمه، ابوالقاسم بغوی (د. ۳۱۷)
۲۳. فضائل فاطمه، ابوحفص ابن شاهین (د. ۳۸۵)
۲۴. فضائل فاطمه، حاکم نیشابوری (د. ۴۰۵)
۲۵. کلام فاطمه فی فدک، ابوالفرج اصفهانی (د. ۳۵۶)
۲۶. مسند فاطمه، ابوحفص ابن شاهین (د. ۳۸۵)
۲۷. مسند فاطمه، جلال‌الدین سیوطی (د. ۹۱۱)
۲۸. مناقب سیده النساء، حاکم نیشابوری (د. ۴۰۵)
۲۹. مناقب فاطمه، ابوصالح مؤذن (د. ۴۷۰)
۳۰. مناقب فاطمه، عبدالرؤوف مناوی (د. ۱۰۳۱)
۳۱. مناقب فاطمه، جلال‌الدین سیوطی (د. ۹۱۱)
۳۲. کتاب من روی عن فاطمه من اولادها، حافظ ابن عقده (د. ۳۳۳)
۳۳. وفاه فاطمه، ابوالحسن بکری.

شرح و بسط کلام درباره هر یک از این عناوین مجالی گسترده می‌طلبد. در این فرصت کوتاه فقط به معرفی یکی از این کتاب‌ها می‌پردازیم که نسخه کهن آن در سال‌های اخیر شناسایی و منتشر شده است.

این همه به جز تعداد زیادی کتاب درباره بانوی بانوان است که دانشوران شیعه نگاشته‌اند و استاد اسماعیل انصاری زنجانی در کتاب «فاطمه در آیینه کتاب» شناسانده‌است.

در این گفتار، فقط به دو کتاب از دو دانشمند شیعه و سنی اشاره می‌شود که هر دو در قرن چهارم به دست دو دانشمند ایرانی نوشته شده و درباره هر دو می‌توان گفت که کمتر شناخته شده‌اند. کتاب مولد فاطمه نوشته شیخ صدوق (شیعه) و فضائل فاطمه نوشته حاکم نیشابوری (اهل سنت).

> حاکم نیشابوری به این نکته اشاره می‌کند که «زمانه ما را گرفتار والیانی کرده است که مردم برای تقرب آنان، به بغض آل رسول توسل می‌جویند. هر آن کس که در پی تقرب به حاکمان است، در واقع به چیزی تمسک می‌کند که خداوند این خاندان را از آن منزه کرده است و آنان در پی انکار فضائل ایشان هستند.» لذا این کتاب را نوشت تا آنان را به این خطای بزرگ (انکار فضائل اهل بیت) آگاه کند

■ مولد فاطمه، نوشته شیخ صدوق

شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (متوفی ۳۸۱ قمری) دانشمند بلندآوازه شیعی قرن چهارم هجری است. وی مشهورتر از آن است که به معرفی نیاز داشته باشد. کتاب «من لا یحضره الفقیه» او یکی از چهار کتاب اصلی شیعه است، چنانکه از طریق آثار دیگر خود حق تعلیم بر آیندگان یافت. در عقاید، کتاب توحید، در اخلاق کتاب خصال، در مهدویت کتاب کمال‌الدین و در شناخت امام هشتم کتاب عیون اخبار الرضا (ع) را نگاشت. این تنها برگی از کتاب پر برگ خدمات او به دین و ادب و دانش است، در حالی که برای او سیصد کتاب کوچک و بزرگ برشمرده‌اند که بیشتر آنها در گذر زمان و رویدادها از میان رفته و فقط حدود ۳۰ کتاب از او بر جای مانده است.

یکی از کتاب‌های او که امروزه در دست نیست، کتابی با عنوان «مولد فاطمه» است که با استفاده از تحقیقات منتشر نشده استاد سعید جمالی، در چند سطر درباره آن سخن می‌گوییم.

این کتاب را که صدوق در کتاب دیگر خود عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۲۵۵ نام برده است، دست‌کم تا سه قرن پس از زمان مؤلف در اختیار دانشمندان شیعه بوده است؛ به گونه‌ای که ابن شهرآشوب (متوفی ۵۸۸) در کتاب مناقب آل ابی طالب و اربلی (متوفی ۶۹۲) در کتاب کشف الغمه بخش‌هایی از آن نقل کرده‌اند. اربلی محتوای فصل‌های کتاب را به این شرح بیان می‌کند: میلاد، فضائل، تزویج، مظلومیت، شهادت و جایگاه حضرت فاطمه در قیامت. (کشف الغمه ج ۲ ص ۱۶۴).

استاد جمالی با استفاده از منابع معتبر موجود، هشتاد و یک حدیث از این کتاب را یافته و بر مبنای همین فهرست اجمالی مرتب کرده است. وی ذیل هر حدیث تحقیقاتی مفصل آورده که شامل منابع دیگر و توضیحات لغوی هر حدیث می‌شود. جمالی در این تلاش مأجور، از حدود ۲۷۰ کتاب مهم شیعه و سنی کمک گرفته است.

کتاب‌هایی مانند کتاب صدوق، ریشه کهن معارف فاطمی را نشان می‌دهد و پاسخی است به بعضی از سخنان کوته‌اندیشانی که حقایق فاطمی را برساخته سال‌های اخیر دانسته‌اند.

■ فضائل فاطمه نوشته حاکم نیشابوری

حاکم نیشابوری (۴۰۵-۳۲۱ هجری قمری) یکی از برجسته‌ترین عالمان حدیث در میان اهل سنت است که به کتاب «المستدرک علی الصحیحین» شهرت یافته است. درباره جایگاه والای او در دانش حدیث، بزرگان اهل سنت بسیار سخن گفته‌اند که از این میان، به کلام ذهبی اکتفا می‌شود. ذهبی گوید: «امام، حافظ بزرگ، پیشوای محدثان بود»؛ و از ابن طاهر نقل می‌کند که در نقل حدیث، مورد وثوق بود.

نسخه کهنی از این کتاب در کتابخانه «میلت کیتاب خانه سی» آنکارا (ترکیه) اخیراً یافت شده که تاریخ کتابت این نسخه، ۲۶ ربیع‌الثانی ۵۸۸ (فقط ۸۴ سال پس از وفات مؤلف) است که ارزش نسخه را نشان می‌دهد. تحقیق کتاب را علی‌رضا بن عبدالله به عهده داشته که گرایش وهابی او در مقدمه و پانویس‌هایش بر کتاب، آشکار است. این کتاب به سال ۲۰۰۸ میلادی توسط دار الفرقان در قاهره در ۱۹۰ صفحه برای نخستین بار منتشر شده است. در این کتاب جمعاً ۲۳۲ روایت (در ۱۹۰ صفحه) آمده و مصحح نیز دیدگاه‌های خود را درباره اسناد و محتوای آنها در پاورقی آورده است.

این کتاب با تحقیق و ترجمه فارسی استاد محمود نعمتی نیز در سال ۱۳۹۶ شمسی منتشر شده است. به علاوه استاد عبدالحسین طالعی خلاصه‌ای فارسی از محتوای آن در قالب یک مقاله، تحت عنوان «هجده فصل در زندگی صدیقه کبری علیها السلام» نوشته که بارها در فضای مجازی منتشر شده است. ترجمه مقدمه مفصل آن به قلم دکتر رسول جعفریان نیز در فضای مجازی در دسترس است (با عنوان: «چرا حاکم نیشابوری کتاب فضائل فاطمه الزهراء(س) را نوشت؟» در سایت کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران).

حاکم نیشابوری ضمن مقدمه‌ای مفصل در مورد انگیزه تألیف کتاب به این نکته اشاره می‌کند که: «زمانه ما را گرفتار رهبرانی کرده است که مردم برای تقرب به آنان، به بغض آل رسول توسل می‌جویند و این که آنان را کوچک شمارند. هر آن کس که در پی تقرب به حاکمان است، در واقع به چیزی تمسک می‌کند که خداوند این خاندان را از آن منزه کرده است و آنان در پی انکار فضائل ایشان هستند.» لذا این کتاب را نوشت تا آنان را به این خطای بزرگ (انکار فضائل اهل بیت) آگاه کند.

در میان انبوه روایات فضائل حضرتش که حاکم روایت کرده، فقط به خلاصه مضمون چند حدیث اشاره می‌شود:

پیامبر، او را برترین زنان عالم می‌دانست و همراه بانوان مقدس همچون مریم، خدیجه و آسیه از او یاد می‌کرد (حدیث ۲۸ تا ۳۱).

پیامبر، برتری او بر تمام زنان را با تعبیرات مختلف بیان می‌داشت؛ از جمله:

سیده نساء المؤمنین (حدیث ۱۰ و ۱۱): سرور بانوان اهل ایمان.

سیده نساء اهل الجنة (حدیث ۱۴ تا ۱۹، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۸۳): سرور بانوان اهل بهشت.

سیده نساء المسلمین (حدیث ۷): سرور بانوان مسلمان.

سیده نساء الامه (حدیث ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵۹، ۱۶۱): سرور بانوان امت.

سیده نساء العالمین (حدیث ۱۰ تا ۱۲، ۱۴، ۱۵۹، ۱۶۱): سرور بانوان جهان.

گاهی فاطمه در مورد برتری مریم بر زنان جهانیان می‌پرسید. پیامبر پاسخ می‌داد: «دخترم! او سرور بانوان زمان خود بود و تو سرور بانوان زمان خودت» (حدیث ۱۸۴ و ۱۸۶).

این دو کتاب قرن چهارم، نمونه‌ای است از انبوه منابعی که درباره یادگار گرامی پیامبر در طول قرن‌ها نوشته شده و خود پاسخی است به معاندانی وحدت‌شکن که اتحاد امت را برنمی‌تابند و می‌کوشند این رشته استوار وحدت مسلمانان را سست کنند. اینک توجه روزافزون ما به این حقایق و ترویج آنها می‌تواند آن گونه تلاش‌های تفرقه‌طلبانه را خنثی کند. این کمترین وظیفه ما در برابر مواریث گرانقدر پیامبر رحمت در موضوع وحدت اسلامی است.